



۱۳۹۵

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران اسلامی

۱۳۸۲ / ۷ / ۱۰

موضوع

نقش آیت الله حاج سیدرضازنجانی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران
۱۳۶۲ - ۱۲۸۲ ش

استاد راهنما

جناب آقای دکتر ناصر تکمیل همایون

استاد مشاور

جناب آقای دکتر وهاب ولی

نگارش

مهدی ابوالحسنی ترقی

تابستان ۱۳۸۲

۴۷۹۵۹

کتابخانه تخصصی تاریخ ایران
مجموعه اسناد و کتابخانه ملی

تقدیم بہ سنگ صبور زندگی ام

مہسر م

نقش آیت الله حاج سیدرضا زنجانی

در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران

۱۳۶۲ - ۱۲۸۲ ش

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
- مقدمه	۶
- سخنی پیرامون منابع	۱۸
- فصل یکم: زندگانی سید رضا زنجانی از تولد تا مهاجرت به تهران ۱۳۲۴ - ۱۲۸۲ ش.....	۴۲-۸۳
- درآمد.....	۴۳
۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در فاصله سال‌های ۱۳۱۵ - ۱۲۸۲ ش.....	۴۴
۲- خاندان موسوی زنجانی	۴۷-۵۵
الف - از مهاجرت به ایران تا تولد سید محمد ۱۲۸۴ ق.....	۴۷
ب - خانواده سید محمد مجتهد زنجانی	۵۱
۳- سید رضا زنجانی از تولد تا مهاجرت به تهران.....	۵۵-۸۳
الف - از تولد تا تحصیلات در قم ۱۳۱۵ - ۱۲۸۲ ش.....	۵۵
ب - کشف حجاب.....	۶۱
ج - تدریس در حوزه علمیه قم.....	۶۷
د- مهاجرت از زنجان به تهران ۱۳۲۱ - ۱۳۱۵.....	۷۱
ه- اقامت در تهران و حوادث آذربایجان.....	۷۴
- نتیجه گیری.....	۸۲
- فصل دوم: پیدایش و اوج‌گیری نهضت ملی ایران از آغاز تا کودتای ۲۸ مرداد ...	۸۳-۱۱۶

- درآمد ۸۴
- ۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰ و شکل‌گیری نهضت ملی ایران ۸۵
- ۲- آیت الله حاج سید رضا زنجانی از اقامت در تهران تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. ۸۸-۱۱۵
- الف- تشکیل جامعه (هیئت) علمیه تهران ۸۸
- ب- آیت الله زنجانی و نهضت ملی ۹۴
- ج- آیت الله زنجانی، همگام با دولت ملی ۱۰۰
- نتیجه‌گیری ۱۱۵
- فصل سوم: دوران نهضت مقاومت ملی ایران (از کودتا تا تشکیل جبهه ملی ۳۹-۱۳۳۲) ۱۱۶-۲۱۶
- درآمد ۱۱۷
- ۱- اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد و تشکیل نهضت مقاومت ملی ایران ۱۱۸
- ۲- نهضت مقاومت ملی ایران ۱۲۶-۱۳۴
- الف- مقدمه ۱۲۶
- ب- آغاز فعالیت نهضت مقاومت ملی ایران ۱۳۰
- ۳- فعالیت و تشکیلات نهضت مقاومت ملی ایران ۱۳۳۳ - ۱۳۳۲ ۱۳۴-۱۸۷
- الف- فعالیت‌ها ۱۳۴-۱۷۷

- ۱۳۴ - تظاهرات ۱۶ مهر ۱۳۳۲ و تعطیلی بازار
- ۱۳۸ - تظاهرات عمومی ۲۱ آبان ۱۳۳۲
- ۱۴۳ - تظاهرات ۱۶ آذر ۱۳۳۲
- ۱۴۶ - انتخابات مجلس شورای ملی دوره هجدهم
- ۱۵۱ - نهضت مقاومت ملی و قشقایها
- ۱۵۴ - مخالفت با قرارداد کنسرسیوم
- ۱۶۰ - نهضت مقاومت و رفع اختلاف نیروی سوم
- ۱۶۳ - نهضت مقاومت و دکتر حسین فاطمی
- ۱۷۰ - آیت الله زنجانی و فداییان اسلام
- ۱۷۳ - نشریات نهضت
- ۱۷۷ - ۱۸۷ ب - تشکیلات
- ۱۷۷ - کمیته مرکزی
- ۱۷۷ - کمیته بین الاحزاب
- ۱۷۹ - کمیته بازار
- ۱۷۹ - کمیته دانشگاه
- ۱۸۰ - کمیته محلات
- ۱۸۱ - کمیته روحانیون
- ۱۸۳ - کمیته تعلیمات
- ۱۸۴ - کانون نشر حقایق اسلامی

- ۴- نهضت مقاومت ملی در فاصله سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۹ ۲۰۶-۱۸۷
- الف- نهضت مقاومت ملی ایران ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ ۱۸۷
- ب- نهضت مقاومت ملی و بازداشت‌های سال ۱۳۳۶ ۱۹۴
- ج- نهضت مقاومت ملی ۱۳۳۹ - ۱۳۳۶ ۲۰۰
- نتیجه‌گیری ۲۰۶
- فصل چهارم: از تشکیل مجدد جبهه ملی تا پیروزی انقلاب اسلامی
 ۱۳۳۹ - ۱۳۳۷ ۲۱۶-۲۸۷
- درآمد ۲۱۷
- ۱- آیت‌الله حاج سید رضا زنجانی از تشکیل جبهه ملی دوم تا شکل‌گیری جبهه
 ملی سوم ۲۱۸-۲۵۷
- الف- آیت‌الله زنجانی و جبهه ملی دوم ۲۱۸
- ب- آیت‌الله زنجانی و جبهه ملی سوم ۲۲۷
- ج- جبهه ملی سوم در خارج از کشور ۲۳۶
- د- آیت‌الله زنجانی و دکتر مصدق ۲۴۰
- ه- آیت‌الله زنجانی و نهضت آزادی ایران ۲۴۲
- و- آیت‌الله زنجانی و نهضت روحانیون ۲۴۸
- ۲- دوران فترت جبهه ملی ۱۳۵۶ - ۱۳۴۴ ش ۲۵۷-۲۶۷
- الف- تلاش برای احیای جبهه ملی ۲۵۷
- ب- جدایی بحرین از ایران و تداوم مبارزات سیاسی ۲۶۴

۳- احیای جبهه ملی ۲۸۵-۲۶۷

الف- نامه سرگشاده به شاه ۲۶۷

ب- اتحاد نیروهای جبهه ملی و انقلاب اسلامی ۲۷۳

- نتیجه گیری ۲۸۵

- فصل پنجم: تلاش در جهت استمرار جبهه ملی در نظام جمهوری اسلامی

ایران (۱۳۶۲-۱۳۵۷) ۳۴۴-۲۸۷

- درآمد ۲۸۸

۱- از پیروزی انقلاب تا سالگرد قیام ۳۰ تیر ۲۸۹

۲- در راه اتحاد بزرگ ملی ۲۹۹

۳- بینش سیاسی و ویژگی های اخلاقی آیت الله زنجانی ۳۱۶-۳۰۷

الف- بینش سیاسی ۳۰۷

ب- ویژگی های اخلاقی ۳۱۳

- نتیجه گیری ۳۱۶

- پایان سخن ۳۱۷

- کتاب نامه ۳۲۳

- ضمائم ۳۳۵

میهن دوستی، اندیشه‌های میهن و تعلق به زادگاه و سرزمین نیاکان، از آغاز شکل‌گیری زندگی اجتماعی در ایران وجود داشته است و به گواهی تاریخ، این عاطفه طبیعی با فرهنگ و آرمان‌های دینی مردم کشور ما در پیوند بوده است. در مجموعه‌های حکمتی ملت ما، وطن را مادر دوم نام نهاده‌اند. مهرورزی به میهن، امری ساکن نبوده و در طی تاریخ دگرگونی و تغییراتی یافته است و به نسبت شرایط و موقعیت‌ها در بعدهاى چندگانه شهرگرایی، منطقه‌گرایی و کشورگرایی، با هم یا جدای از هم، رشد کرده است.^(۱) با این حال، صاحب‌نظران، ناسیونالیسم را ایدئولوژی متعلق به دوران جدید دانسته، پیدایش و رشد آن را از تشکیل دولت‌های آلمان و ایتالیا در قرن نوزدهم میلادی می‌دانند.^(۲)

«ریچارد کاتم» ناسیونالیسم را این چنین تعریف می‌کند: «اعتقاد گروه بزرگی از مردم به اینکه یک جامعه سیاسی و یک ملت‌اند و شایستگی تشکیل دولتی مستقل را دارند و مایلند وفاداری به جامعه را در اولویت قرار داده، بر سر این وفاداری تا آخر بایستند.»^(۳)

ناسیونالیسم به معنای سیاسی و حکومتی (ملت - دولت) به سه نوع تقسیم می‌گردد: یکی ناسیونالیسم اروپایی که رو به قدرت سیاسی داشته و به تناسب بسط قدرت سیاسی و اقتصادی، تحول یافته و به استعمار ختم می‌شود. نوع دیگر ناسیونالیسم، به اصطلاح، «ناسیونالیسم مثبت» نام دارد که در آن به قوم، کشور و گذشته خود تفاخر می‌کند و در شکل افراطی‌اش، به نژادپرستی کشیده می‌شود.

۱. برای توضیح بیشتر، ر.ک: ناصر تکمیل همایون: میهن دوستی در ایران، ص. ۵۷ - ۴۱.

۲. رضا داوری: ناسیونالیسم، حاکمیت ملی و استقلال، ص. ۱۱.

۳. ناسیونالیسم در ایران، ص. سی و دو.

جلوه دیگر ناسیونالیسم، استقلال طلبی در مقابل استیلاي قدرت‌های استعماری و استکباری است. طرفداران این نوع ناسیونالیسم، به جای سرگرم شدن به اوهام و خیالات، پنجه در پنجه قدرت‌های استعماری می‌اندازند تا بندهای سلطه‌گر را پاره کنند. این ناسیونالیسم در صورت نهضت ملی و در مبارزه سیاسی، مخالفتی با دیانت ندارد و مورد تأیید شخصیت‌های دینی و روحانی جامعه نیز می‌باشد.^(۱)

میهن دوستی در ایران تا دوران معاصر و برخورد بامغرب زمین، محتوای اسلامی داشته است. مفهوم میهن دوستی و پاسداری از استقلال کشور ایران، زمانی برجستگی بیشتر به دست آورد که کلیت جامعه ملی زیر سلطه یا در معرض نابودی قرار گرفت. علاوه بر آن، مقایسه عقب ماندگی‌های ایران و خرابی وطن در برابر پیشرفتگی و آبادانی مغرب زمین، نوعی دفاع روانی از «هویت اجتماعی میهن»، مسأله بازگشت به دوره‌های کهن تاریخی و باز شمردن افتخارهای ملی را در ادبیات سیاسی میهن دوستان ایرانی، زنده‌تر ساخت.^(۲) «تا آنجا که اسناد و مدارک بیان می‌دارند، نخستین بار واژه وطن پرستی در سال ۱۲۶۵ قمری توسط امیرکبیر به کار گرفته شد.»^(۳)

نهضت تنباکو را آغاز نطفه ملت و ملیت ایران دانسته‌اند. در عین اینکه منکر تاریخ هزاران ساله مردم ایران با زبان، آداب و خباطرات مشترک هم نیستند. نهضت تنباکو، آغاز یک تحول بود و علمای دین آن را رهبری می‌کردند. در این نهضت، خودآگاهی ملی پیدا شد و این خود آگاهی، مقدمه تحولات فکری و سیاسی شد که به انقلاب مشروطیت رسید. در مشروطیت، مسأله ملی و ملیت صریحاً مطرح شد و اهمیت یافت.^(۴)

۲. تکمیل همایون: «همان اثر»، ص. ۶۱.

۱. داودی، «همان اثر» ص. ۲۴ - ۲۳.

۴. رضا داوری: ناسیونالیسم و انقلاب، ص. ۲۴ - ۲۳.

۳. «همان» ص. ۷۷.

برای روحانیت سنتی ایران، استقلال و بقای ایران در دفاع از اسلام تضمین شده است. یعنی زمانی سخن از صیانت اسلام به میان می‌آید، تفسیر اجتماعی آن، حفظ حدود و ثغور ایران است. در برخورد با امپریالیسم و سلطه بیگانگان، اندیشه‌ها و علاقه‌های میهنی، صبغه سیاسی نیز پیدا کرد. در عهد قاجار، نوعی بیداری سیاسی و ملی در مردم به وجود آمد اما هم‌زمان در برداشت‌ها و اندیشه‌های برخی از روشنفکران ایرانی، اثرهایی از مفهوم میهن و میهن دوستی بر سیاق مغرب زمین نیز دیده می‌شود. بدین معنی که برخی از آنان، وطن را بی‌رابطه با دیانت دانسته (مانند میرزا فتحعلی آخوندزاده) و یا وطن را در پیوند با فرهنگ ایرانی و برخی از ارزش‌های اروپایی تعریف کرده‌اند. (مشهورترین آنها عبدالرحیم طالبوف است^(۱))

بنابراین «نخستین ناسیونالیست‌های ایرانی در ضمن از نخستین تجددطلبان این کشور محسوب می‌شوند. هدف این مردان در ایجاد حکومت متمرکز و مرکزی قوی آن بود که به کمک آن، به عمر نظام فئودالی و فساد حکومتی پایان دهند و نگذارند منابع کشور در بست، در اختیار خارجی‌ان و بیگانگان قرار گیرد. این هدف با ارزش‌های ناسیونالیستی پیوند نزدیکی دارد و هدف‌های گفته شده، در ضمن هدف تجددخواهان نیز بود [[ند]].»^(۲)

ناسیونالیسم در ابتدا ایدئولوژی مبارزه با استعمار روسیه و انگلیس و پس از پیوند خوردن عناصر سنتی ضد ناسیونالیسم با آنها، وسیله مبارزه با آن نیز گردید. با فاصله گرفتن حکومت (قاجار و سپس پهلوی) از ملت و ارزش‌های ملی و سرسپردگی به بیگانه، جنبش ناسیونالیستی مستقیماً متوجه استبداد داخلی و تکیه گاه خارجی آن شد. پس از نهضت مشروطیت، قیام شیخ محمد خیابانی، کلنل محمد تقی خان پسیان، قیام جنگل و... بهترین نمونه‌های آمیزش عناصر

۱. تکمیل همایون: «همان اثر»، ص. ۷۱ - ۷۰.

۲. ناسیونالیسم در ایران، ص. سی و چهار و سی و پنج، مقدمه مؤلف.

تجددخواه و دیندار بود که در برابر استبداد داخلی و سلطه خارجی قد علم کردند. منحنی‌ترین شکل ملی‌گرایی - ناسیونالیسم مثبت (در تقسیم بندی محققان) - در دوران حکومت رضاشاه (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴ ش) رواج یافت.

برخی نویسندگان، حرکت‌های ناسیونالیستی رضاشاه را دنباله ناسیونالیسم و ملیت‌خواهی زمان مشروطه و مبارزات ملت ایران در جنگ جهانی اول بر ضد اشغالگران دانسته‌اند، که با اهدافی نظیر اخراج بیگانگان از کشور و جلوگیری از دخالت آنان، ایجاد روابط دوستانه با سایر ملت‌ها، برقراری امنیت و اصلاحات سیاسی و اقتصادی، ناسیونالیسم را احیاء کرد.

این دسته نویسندگان تا آنجا پیش می‌رفتند که حتی جنبش ملی شدن صنعت نفت را ادامه جنبش ناسیونالیستی مثبت خاندان پهلوی، و حاصل وحدت و امنیت این رژیم می‌دانستند. ناسیونالیسم مثبت را در برابر موازنه منفی مصدق تبلیغ می‌کردند و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد را نیروی ناسیونالیسم واقع بینانه و حقیقی در برابر منفی بافان (موازنه منفی) قلمداد می‌نمودند و بنیانگذاری ناسیونالیسم مثبت را از همین زمان می‌دانند.^(۱)

اصولی که برای اینگونه ناسیونالیسم بر می‌شمارند در حقیقت توجیه‌کننده سیاست اعمال شده حکومت پهلوی در طول دوران زمامداری خود است. به این معنی که حفظ منابع ملی و احترام متقابل میان ایران و دیگر کشورها (منظور آمریکا) و برقراری رابطه با سایرین به جای بی‌طرفی و قطع رابطه، دوستی و احترام به منافع دیگران نه دشمنی و تجاوز به منافع آنان، خلق و ایجاد و ابتکار به جای تخریب و انهدام، بالا بردن سطح زندگی و شعور اجتماعی از طریق استفاده از سرمایه‌گذاری و متخصصان خارجی^(۲) و... به عنوان اصول ناسیونالیسم مثبت تبلیغ

۱. ح. آرایش: ناسیونالیسم مثبت در برابر بی‌طرفی مثبت، ص. ۱۱ - ۵.

۲. «همان»، ص. ۳۴ - ۱۲.

می‌گردید. البته این اصول بعدها ساخته و پرداخته شد و منطبق با سیاست روز اعلام گردید. پیش از آن و در همان زمان رضاشاه، مظاهری از این نوع ناسیونالیسم، یعنی تفاخر به قوم و نژاد، موجب تحت الشعاع قرار گرفتن آموزه‌ها و شعایر دینی و مذهبی نیز گردیده بود و همین امر در نگاه برخی، چهره‌ی واقعی ناسیونالیسم را خدشه‌دار می‌ساخت، گضاف بر اینکه، استبداد رضاشاهی، امکان هرگونه تظاهر به میهن دوستی واقعی را از مبارزان سلب می‌کرد.

پس از این دوران، کسانی در صدد سازش میان ارزش‌های ناسیونالیستی با قواعد مذهبی برآمدند. کسانی که به مذهب و دخالت آن در امور اجتماعی معتقد بودند و ناسیونالیسم را ابزاری برای حفظ دیانت در کشور و نجات آن از سلطه بیگانگان و مبارزه با استبداد می‌دانستند. علت پیوند ناسیونالیسم و مذهب در ایران، استقلال روحانیت شیعه از حکومت بوده است. روحانیت ملی‌گرا امید داشت با اجرای قانون اساسی، قدرت سلطنت محدود شود. جهت‌گیری ناسیونالیسم مذهبی، علیه استبداد حاکم بود و علاوه بر آن، قطع نفوذ خارجی و جلوگیری از سلطه آنان بر کشور. ناسیونالیسم ایرانی در دهه ۱۳۲۰، از نمونه ناسیونالیسم‌های قرن بیستم بود که «منکر قدرت اخلاقی و معنوی دولت مرکزی خود^(۱)» گردید.

«اهمیت ناسیونالیسم مدیون توانایی آن برای تجلی بخشیدن به اراده مردمی که قادر به تصمیم‌گیری راجع به خود هستند و احترام به اراده آنان به عنوان مردمی که قادر به توسعه فرهنگ شخصی‌شان هستند؛ می‌باشد.»^(۲)

نتایج حوادث شهریور ۱۳۲۰ در ایران بسیار گسترده بود. از یکسو برچیده شدن بساط حکومت مقتدر مرکزی مستبد و ایجاد فضایی نسبتاً آزاد که به آزادی‌خواهان و میهن‌دوستان

۱. گلن جی بارگلی: ناسیونالیسم قرن بیستم، ص. ۱۸۶.

۲. مونتسرات گیبیرنا: مکاتب ناسیونالیسم، دولت - ملت در قرن بیستم، ص. ۱۰۶ - ۱۰۵.

امکان جولان و فعالیت می داد. از دیگر سو، حضور و نفوذ بیگانگان در کشور که به فاصله زمانی کوتاه از پایان جنگ جهانی دوم بر سر تصاحب منابع نفتی ایران با یکدیگر به رقابت پرداختند. حوادث آذربایجان در فاصله سال‌های ۱۳۲۵ - ۱۳۲۴ ش، تحرک نیروهای مؤمن و مبارز در مجلس در برابر امتیاز خواهی بیگانگان، حاصل این وضعیت بود. در ادامه از آنجایی که امکان مشارکت نیروهای مردمی در زندگی سیاسی کشور بیش از گذشته فراهم شد، آگاهی سیاسی افزایش یافت و بالتبع ناسیونالیسم (ملیت خواهی) دوباره آشکار گردید. در مجلس شورای ملی و در سطح جامعه، میان تجددخواهان و دینداران ناسیونالیست ائتلافی پدید آمد که نهضت ملی کردن صنعت نفت، نهال نوپای آن و ملی شدن صنعت نفت ایران، میوه و ثمره آن بود. جبهه ملی متشکل از نیروهای ملی و مذهبی در پی اعاده «هویت ملی» و استقلال کشور بود. هویتی که فراتر از نژاد، زبان، مذهب و قومیت است. اینها هر کدام به تنهایی لایه‌ای از «دنیای هزارتو» هستند و آنانکه هویت ملی را منحصر به یکی کنند، به بیراهه رفته‌اند. راز همدلی و همکاری ملیون یعنی میهن دوستان مسلمان و مذهبیون یعنی روحانیت میهن دوست، در همین نکته نهفته است. پیروزی ملت ایران (نه مصدق و یا کاشانی) در نهضت ملی و سپس تشکیل دولت ملی، اولین گام در بازیافتن هویت ملی و حقوق از دست رفته و پایمال شده ملت ایران بود که با کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نافرجام ماند.

ناسیونالیسم واقعی هیچ تضادی با آموزه‌های دینی ندارد. شاهد این مدعا تجمع ارزش‌های ناسیونالیستی و آموزه‌های اسلامی در وجود امثال مصدق و کاشانی و پیش از آنان بهبهانی، طباطبایی و مدرس است. در دوران مبارزات ملیون و مذهبیون برای ملی کردن صنعت نفت، و کوتاه کردن دست استعمار پیر انگلستان از منابع اقتصادی ایران، مصدق و کاشانی شاید هر دو